

## Analyzing Aspects of Jihad in Qur'anic Discourse According to the Critical Model of Norman Fairclough

*Ebrahim Ebrahimi*<sup>1</sup>  
*Fatemeh Dastranj*<sup>2</sup>

Received :2022/04/29

Accepted: 2022/09/06

DOI: 10.22051/TQH.2022.37993.3588  
DOR: 20.1001.1.20082681.1402.20.2.5.5

### Abstract

*One of the pragmatic approaches in language that makes it possible to read religious texts as discourse is the critical discourse analysis approach. Considering the Qur'an's emphasis on the issue of "Jihad" and its relation to the concept of "war", there are many challenges in this field, including the promotion of violence and warmongering. Therefore, the analysis of the Jihad discourse in the Qur'an will provide a detailed explanation of the concept of Jihad, considering the social, cultural and value structures that the text is created in their context. Utilizing the descriptive-analytical method, this study investigates the jihad aspects based on the analysis of Fairclough's critical discourse at the three levels of description, interpretation, and explanation. It concludes that in the discourse network of Jihad in the Qur'an, considering the existing discourse system in the society of the Descendant Age, the principle of defense and fighting in the way of God is the central signifier of the discourse of Jihad that has redefined and changed a set of conceptual elements and values. The most important change is the reproduction of the power system in society and its redefinition under dual semantic and epistemic systems such as truth and falsehood, Allah and tyranny, and faith and disbelief. It defines a new value system and gives a new order to social relations. It also leads the audience to appropriate social action by changing and modifying thoughts and inner beliefs and drawing norms.*

**Keywords:** *Holy Qur'an, Discourse Analysis, Fairclough, Verses of Jihad, Aspects of Jihad*

---

<sup>1</sup>. Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: [ebrahimi978@atu.ac.ir](mailto:ebrahimi978@atu.ac.ir)

<sup>2</sup>. Associate Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, University of Arak, Arak, Iran. Email: [f-dastranj@araku.ac.ir](mailto:f-dastranj@araku.ac.ir)

فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (سلام الله علیها)

سال بیستم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲، پیاپی ۵۸

مقاله علمی-پژوهشی، صص: ۹۵-۱۱۷

## تحلیل ساحت‌های مجاهدت در گفتمان قرآنی بر اساس الگوی انتقادی نورمن

### فرکلاف

ابراهیم ابراهیمی<sup>۱</sup>

فاطمه دست رنج<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۶

DOI: 10.22051/TQH.2022.37993.3588  
DOR: 20.1001.1.20082681.1402.20.2.5.5

#### چکیده:

از جمله رویکردهای کاربردشناسانه در زبان که امکان بازخوانی روشمند متون دینی را به مثابه گفتمان فراهم می‌آورد، رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی است. با عنایت به تأکید قرآن بر مسئله جهاد و ارتباطی که جهاد با مفهوم «جنگ» دارد، چالش‌های بسیاری مانند ترویج خشونت، جنگ‌طلبی و ... در این زمینه مطرح است. از این‌رو تحلیل گفتمان مجاهدت در قرآن با عنایت به ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و ارزشی که متن در بستر آن به وجود آمده، تبیین دقیقی از مفهوم مجاهدت ارائه خواهد نمود. لذا در پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، ساحت‌های مجاهدت بر پایه رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف در سطوح سه گانه توصیف، تفسیر و تبیین، مورد بررسی قرار گرفت و این نتیجه حاصل آمد که در شبکه گفتمانی جهاد در قرآن با عنایت به نظام گفتمانی موجود در جامعه عصر نزول، اصل دفاع، مقاتله و مجاهده در راه خدا، دالّ مرکزی گفتمان جهاد است که مجموعه‌ای از عناصر و ارزش‌های مفهومی را تغییر داده و بازتعریف کرده است. از مهم‌ترین این تغییرات، بازتولید مناسبات قدرت در جامعه و بازتعریف آن ذیل نظام‌های معنایی و معرفتی دوگانه‌ای همچون حق و باطل، الله و طاغوت و ایمان و کفر است که نظام ارزشی جدیدی را تعریف و ضمن تغییر بسیاری از حوزه‌های معنایی در گردش جامعه، مناسبات اجتماعی را نظمی تازه می‌بخشد. همچنین مخاطب گفتمان را با تغییر و اصلاح اندیشه و باورهای درونی و ترسیم هنجارها به سوی کنش اجتماعی مناسب در راستای نظام‌های بهنجار سوق می‌دهد.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن کریم، تحلیل گفتمان، فرکلاف، آیات جهاد، ساحت‌های مجاهدت.

<sup>۱</sup> . استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). Ebrahimi978@atu.ac.ir

<sup>۲</sup> . دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک، تهران، ایران. f-dastranj@araku.ac.ir

## بیان مسئله

در رویکردهای کاربردشناسانه به زبان، نگاه به متن از زاویه تحلیل گفتمان، امکان خوانش متن را از زاویه‌ای تازه فراهم می‌آورد و این فرصت را فراهم می‌آورد که با واکاوی متن در یک فرآیند مشخص و روشمند، امکان یافتن زوایای پنهان آن فراهم آید. از جمله رویکردهای کاربردی در برخورد با متون، تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف است. نورمن فرکلاف<sup>۱</sup> در رویکرد خود علاوه بر اهمیت دادن به سطح زبانی و درونی به لایه بیرونی که متن در آن شکل گرفته است نیز توجه می‌نماید و از این رو کارکردهای اجتماعی را نیز در سطح بالاتری برای تحلیل گفتمان در نظر می‌گیرد. در این رویکرد، زمینه‌های ایدئولوژیکی و ساخت‌های قدرت در تولید گفتمان، تبیین می‌شوند و نقش تحلیل گفتمان انتقادی در این میان، تحلیل آن دسته از نشانه‌ها و ساختارهاست تا مفاهیم ایدئولوژیک را که در باز تولید ساختارهای اجتماعی مؤثر هستند، آشکار نماید (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۲۶). بازخوانی متون دینی از این منظر، با مشخص کردن ایدئولوژی حاکم و با عنایت به پیش‌فرض‌های مفهومی، بافت موقعیتی و سایر عناصر زبانی و غیر زبانی زوایای پنهان گفتمان را کشف و بازگو می‌کند.

مسئله جنگ، قتال و جهاد در طول حیات بشر، از مواضع چالش‌برانگیز بوده است که تلاش‌های بسیاری در حوزه علوم نظری و اجتماعی برای فهم و دریافت صحیح آن و نیز شرح و توضیح چرایی و چگونگی این پدیده صورت گرفته است. در قرآن کریم نیز به مسئله جهاد به طور ویژه پرداخته شده است. با عنایت به تأکیدات قرآن کریم بر مسئله جهاد و ارتباطی که جهاد با مفهوم «جنگ» دارد، چالش‌های بسیاری مانند ترویج خشونت، جنگ‌طلبی و غیره در این زمینه مطرح است. از اینرو بازخوانی روشمند آیات جهاد و ارائه تحلیل گفتمان مجاهدت در قرآن با عنایت به عوامل زبانی و فرازبانی به ما در درک حقیقت این کمک خواهد نمود. لذا به طور خاص در این پژوهش از نظرات نورمن فرکلاف و سطح‌بندی سه گانه او (توصیف-تفسیر-تبیین) در تحلیل گفتمان، بهره گرفته شده است. مطالعه موردی در این پژوهش آیات جهاد در قرآن کریم است که به دو صورت صریح و غیر صریح به حوزه دامنه معنایی جهاد، قتال، حرب و غزو مرتبط می‌شوند. آیات مصرح جهاد، دسته‌ای از آیات هستند که در آنها به جهاد نظامی با دشمنان اسلام در راه رضای خداوند سخن به میان رفته است. این آیات شامل ۲۱ آیه با ماده «جهد» و مشتقات آن و ۶۱ آیه با ماده «قتل» و مشتقات آن است که در مجموع ۸۲ آیه می‌شوند که در ۱۸ سوره از قرآن کریم وجود دارند. آیات غیر مصرح جهاد نیز آیاتی هستند که اشاره به فضای جهاد و لوازم و بسترهای آن دارند اما در هیچ یک از آنها واژگان دامنه مفهومی

جهاد به کار نرفته است. تعداد این آیات در مجموع ۸۲ آیه می باشد که این آیات هر یک عهده‌دار انتقال قسمتی از مسائل جهاد هستند و گفتمان مجاهدت در قرآن را شکل می‌دهند.

### پیشینه پژوهش

در خصوص مسئله جهاد و آیات جهاد پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است. به عنوان نمونه یوسف نجفی در مقاله «گستره مفهوم جهاد به مثابه قتال در اندیشه سید قطب و علامه طباطبایی» (۱۳۹۶) به دنبال برقراری ارتباط میان آیات مبنی بر عدم اکراه در پذیرش دین و آیات مبارزه و قتال با مخالفان و دشمنان دین است. همچنین مقاله «تبیین راه برد نرم افزار گرایانه جهاد در قرآن کریم» اثر محمد جانی پور و محمدرضا ستوده نیا که در آن نظریه قرآن درباره جنگ نرم جهادی از طریق معناشناسی و بررسی گونه‌های مختلف جهاد، ترسیم شده است. مقاله «تحلیل مضمونی ویژگی‌های جهاد در آیات قرآن کریم» اثر رضا احمدزاده نیز آیات جهاد را تجزیه و تحلیل مضمونی نموده است.

گرچه پژوهش‌های پیش گفته، نتایج ارزشمندی در حوزه تبیین آیات جهاد داشته‌اند اما در این میان، پژوهشی که با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی به آیات جهاد پرداخته باشد، مشاهده نگردید. از آنجا که تحلیل گفتمان انتقادی به عنوان روشی برای خوانش متن به مثابه گفتمان است و نتایج حاصل از کاربست این شیوه پژوهش می‌تواند محتوای پژوهش‌های دیگر را از منظری دیگر تایید و تقویت نموده و شبهه خشونت در دین اسلام را با روشی دیگر پاسخ دهد، تحلیل آیات جهاد و بررسی ساحت‌های مجاهدت در قرآن، محور پژوهش حاضر است.

### ۱- ساحت‌های مجاهدت در قرآن بر اساس الگوی گفتمانی فرکلاف

گفتمان<sup>۱</sup> فرآیند تولید معنا است. از تحلیل گفتمان می‌توان به مثابه ابزاری برای فهم محتوا و ساختار گفتار تولید شده (کوبلی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۶۰۰) و کشف و تبیین ارتباط متن با کارکردهای فکری و اجتماعی بهره برد (یار محمدی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۳). یکی از روش‌های تحلیل گفتمان، تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف است. فرکلاف در رویکرد خود میان علوم اجتماعی و زبان‌شناسی ارتباط برقرار می‌کند. یعنی محدوده تحلیل گفتمان را در سطح جامعه، تاریخ و ایدئولوژی موسع می‌بیند. فرکلاف اعتقاد دارد که آنچه در تحلیل گفتمان مغفول مانده است، بازنمایی ایدئولوژیکی است. به این معنا که در مواردی در اثر «طبیعی شدگی» گفتمان،

ایدئولوژی‌ها به عدم شفافیت نیل می‌کنند و از این رو دیگر به آنها به عنوان ایدئولوژی نگاه نمی‌شود و از این رو بازنمایی ایدئولوژیک در تحلیل گفتمان انتقادی مغفول می‌ماند (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۵۰). البته برای رسیدن به این سطح از تحلیل گفتمان باید از دو سطح توصیف و تفسیر عبور کرد. از این رو در تحلیل گفتمانی انتقادی فرکلاف سه سطح مد نظر قرار گرفته است. سطح توصیف که در آن ساخت‌شناسی و معناشناسی در سطح واژگانی و تا حدودی کاربردشناسی زبان مورد توجه قرار می‌گیرد. در سطح تفسیر با عنایت به بافت موقعیت و عوامل بینامتنی، تحلیل گفتمان پیش می‌رود. در نهایت در سطح سوم، به توضیح تولید چنین متنی پرداخته می‌شود که در واقع همان تبیین است. در این سطح متن در ارتباط با عوامل تاریخی، جامعه‌شناختی، ایدئولوژیک و زمینه اجتماعی دانش‌ها و فرهنگ‌های جاری، تبیین می‌شود (Fairclough, 2001, 91-117). کارکرد «ایدئولوژیک» گفتمان یکی از اصولی است که در تحلیل گفتمان انتقادی در نظر گرفته می‌شود (Schiffrin & the others, 2005, 353). بنابراین رویکرد فرکلاف در تحلیل گفتمان، از جمله روش‌های کیفی است که گفتمان را در سه لایه متن، بافت موقعیت و بافت اجتماعی و ایدئولوژیک، پردازش می‌کند.

در ادامه به بررسی گفتمان مجاهدت در قرآن در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین می‌پردازیم؛ با عنایت به این که ذکر تمام آیات مورد مطالعه از حوصله مقاله خارج است، تنها به آیاتی اشاره می‌شود که مقصود ما را از مبحث مورد نظر برآورده سازد، با این حال، بررسی‌ها و نتایج به دست آمده ناظر به تمامی آیاتی است که به صورت مصرح و غیر مصرح، گفتمان مجاهدت را در قرآن شکل داده‌اند.

### ۱-۱- گفتمان مجاهدت در قرآن در سطح توصیف

نخستین سطح بررسی در تحلیل گفتمان انتقادی، سطح زبانی است. فرکلاف در این سطح، ارزش‌های تجربی کلمات، روابط معنایی متن را در نظر می‌گیرد (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۱۷۰-۱۷۲). لذا در واکاوی سطح توصیف، نخستین گام بررسی دامنه مفهومی آیات جهاد و واژگان کلیدی است که شبکه گفتمان جهاد را شکل می‌دهند.

جهاد از ریشه «جهد» چیز اندکی است که انسان با آن زندگی سختی را می‌گذراند و «الجهد» رسیدن به غایت امری با تلاش است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۳۸۶). برخی «جهد» و «جهد» را تلاش انسان در بالاترین حد قوت و طاقت، معنا کرده‌اند (ابن درید، ۱۹۹۸، ج ۳، ص ۱۲۵۹). ازهری «الجهد» را غایت و «الجهد» را طاقت معنا می‌کند (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۶، ص ۲۶). بنابراین معنای این واژه «بذل الطاقة و السعي البلیغ الی أن ینتهي النهایة الممكنة و ینبلغ غایة وسعه» است و تفسیر آن به وسع، طاقت، مشقت، نهایت، غایت و غیره از لوازم معنای آن است (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۱۵۰). در تعریف اصطلاحی واژه جهاد نیز می‌توان گفت

«الجهاد بذل النفس و المال و الوسع فی اعلاء کلمة الاسلام و اقامة شعائر الايمان» (نجفی، ۱۴۱۳ ج ۲۱، ص ۳). همچنین «جهاد عبارت است از بذل جان و مال به طریقی مخصوص برای جنگ با مشرکان و یا افراد یاغی در راه اعتلای کلمه اسلام» (جبعی عاملی، بی تا، ج ۲، ص ۳۷۹). بنابراین در اصطلاح به کوششی که همراه با بذل جان و مال برای مقابله و مبارزه با دشمنان دین خدا و در راه خدا و اسلام صورت می‌پذیرد، جهاد گفته می‌شود.

شاید بتوان نزدیک‌ترین واژه به معنای جهاد را واژه «حرب و محاربه» دانست. اشتقاقیات این ریشه در ۱۱ آیه قرآن بکار رفته است. «حَرْب» نقیض «سَلَم» است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۲۱۳). راغب اصل این واژه را تاراج و ربودن غنائم در جنگ می‌داند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۴۶۴). در واقع حرب همان شدت عمل است. این واژه زمانی که در باب مفاعله به صورت محاربه به کار می‌رود، استمرار و تداوم را می‌رساند (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۲۱۵). تفاوت اساسی حرب با جهاد در اصول و روش آنهاست. منظور از حرب جنگی است که فرد قصد ستیزه با خدا و رسول خدا را دارد (قاسم‌پور و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۱۴۴).

واژه پرکاربرد دیگر در این دایره مفهومی، قتل است. ماده «قتل» ۱۷۰ بار در ۳۳ سوره و در ۱۲۲ آیه در قرآن کریم به کار رفته است (عبدالباقی، ۱۳۶۴، ص ۵۳۳-۵۳۶). اصل واژه «قتل» به معنای ازاله روح از بدن، همانند موت است؛ ولی بنا به اعتباری اگر کسی متولی ازاله روح باشد، لفظ «قتل» و به اعتبار از دست رفتن حیات، لفظ «موت» به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۶۵۵). در تفاوت جهاد و قتل می‌توان گفت که قتل منحصراً بر برخورد نظامی دلالت می‌کند و عبارت است از مهیا شدن برای رویارویی نظامی و کشتن و کشته شدن، اعم از این که در نتیجه این امر واقعاً هم کسی کشته شود یا نشود؛ «وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا» (نساء: ۷۴). اما جهاد مفهومی وسیع‌تر از قتل دارد. از این رو در لغت، تعبیر قتال با مال نداریم و قتال فقط با جان است (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ص ۲۳۷-۲۳۹). قتال در قرآن کریم لزوماً در معانی مقدس و به معنای جهاد به کار نرفته است، بلکه به جنگ‌ها و اقدام‌های نظامی کفار و مشرکان در مقابل مسلمانان نیز اطلاق شده است. اما در برخی موارد با «جهاد» مترادف است و این مترادف از قید «فی سبیل الله» فهمیده می‌شود (اکبری و شیرین کار، ۱۳۹۵، ص ۴۸). در تکمیل این دایره مفهومی می‌توان به واژه «غزو» هم اشاره نمود. از ریشه «غزو» در قرآن کریم فقط یک کاربرد را در آیه ۱۵۶ سوره آل عمران مشاهده می‌کنیم. در معنای این واژه آمده است که «غزا الشیء غَزَوْا: أَرَادَهُ وَ طَلَبَهُ» (ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۶، ص ۳۸). از این رو «الغزو» خروج برای محاربه با دشمن است که چنین کسی را «غازی» گویند و جمع آن «غُزَاةٌ وَ غُزَى» است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۶۰۶). معنای دقیق‌تر آن است که غزو

در اصل، درخواست عمل است و به معنای مطلق اراده و قصد نیست، بلکه در معنای قصد همراه با عمل به کار می‌رود که از مصادیق آن، حرکت به سوی دشمن و اراده جنگ با آنهاست (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۷، ص ۲۶۸). پس واژه غزو با آن بخش از معنای واژه جهاد که جهاد مسلحانه و نظامی است قرابت معنایی دارد.

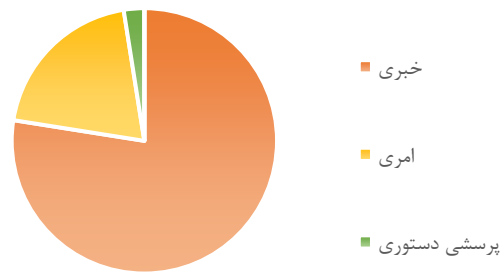
### ۱-۱-۱- تحلیل بار ارزشی واژگان در سطح توصیف

فرکلاف واژگان را دارای سه ارزش تجربی، رابطه‌ای و بیانی می‌داند. ارزش‌های تجربی در واقع همان بازنمایی جهان طبیعی از دید ماتن است که اثرات ساختی آن در دانش و اعتقادات بروز می‌یابد. ارزش‌های رابطه‌ای بر روابط اجتماعی که در گفتمان به اجرا در می‌آید تأکید می‌کنند و ارزش‌های بیانی نیز با فاعل‌های دخیل در گفتمان و هویت‌های اجتماعی سر و کار دارند. در بررسی دامنه مفهومی آیات جهاد مشخص گردید که مفاهیم جهاد و قتال زمانی که با عبارت «فی سبیل الله» مقید می‌شوند، بار ارزشی تازه‌ای می‌یابند. این قید به دفعات در آیات جهاد به کار رفته تا بر ارزش تجربی جهاد در راه خدا و قتال در راه خدا تأکید کرده و روابط اجتماعی تازه‌ای را بر مبنای اعتقادات جدید تعریف نماید و هویت‌های اجتماعی‌ای را به فاعلان گفتمان نسبت دهد. در مجموعه آیات، عبارت «فی سبیل الله» همراه با ساخت‌های مختلف از ریشه‌های «قتل» (۱۸ بار)، «جهاد» (۳ بار)، «هجر» (۲ بار)، «نفاق» (۱ بار) و «صوب» (۱ بار) همراه شده است و بار ارزشی را به وجود آورده است. به گفته فرکلاف هر یک از ویژگی‌های صوری ممکن است که به طور همزمان واجد دو یا سه ارزش باشند (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۱۷۲). این امر را در ارتباط با قید «فی سبیل الله» در آیه ۷۶ سوره مبارکه نساء مشاهده می‌کنیم: "الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا". دوگانه ایمان و کفر و نیز الله و طاغوت صف‌بندی و جهت‌دهی به باورها و اعتقادات و نیز شکل‌دهی به روابط اجتماعی و تعیین هویت مشارکین گفتمانی را روشن می‌سازد. در آیات جهاد فاعل‌های گفتمانی و کسانی که در جهاد و قتال شرکت می‌کنند مشخص می‌شوند و نوع برخورد و مواجهه با گروه‌های مختلف بیان می‌شود و روابط اجتماعی را شکل می‌دهد. برای مثال از ایجاد صلح میان دو گروه مؤمنان سخن گفته می‌شود و یا به قتال در برابر کسانی که تعدی کرده‌اند، فرمان داده می‌شود. در هر دو سوی این جبهه‌بندی‌ها نیز با بیان دلیل مقاتله و ضرورت و اهمیت آن و نیز با بیان ثواب و عقاب شرکت کنندگان در جهاد و متخلفین از جهاد و مواردی از این دست، محتوای گفتمان بر پایه ارزش‌های تجربی شکل می‌گیرند که خود در سامان‌دهی به کلیت گفتمان مجاهدت در قرآن سهیم هستند.

لازم به ذکر است مفهوم وجهیت، مفهومی مهم برای ارزش‌های رابطه‌ای و بیانی است. اگر مسئله اقتدار یکی از مشارکین در رابطه با دیگران مطرح باشد، وجهیت رابطه‌ای است و اگر مسئله اقتدار گوینده یا نویسنده در رابطه با احتمال یا صدق بازنمایی واقعیت مطرح باشد، با وجهیت بیانی سر و کار داریم (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۱۹۳). وعده‌ها، وعیدها، سوگندها، و نیز امر و نهی‌هایی که در آیات جهاد مطرح می‌شود کنش‌هایی است از سوی مرجعی قدرتمند که کنش‌ها و توانش‌های مخاطبان گفتمان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این عبارات دارای وجهیت رابطه‌ای هستند. نمونه‌ای از آن را می‌توان در آیه ۱۹۵ سوره آل عمران مشاهده نمود. در ارتباط با وجهیت بیانی نیز می‌توان به کاربرد واژه «عسی» در چند آیه از مجموع آیات جهاد اشاره کرد. برای نمونه در آیه ۸۴ سوره نساء "فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَ حَرَضِ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكْفَ بِأَسِ الَّذِينَ كَفَرُوا"، درباره برطرف شدن گزند کافران از رسول و مؤمنان اظهار امیدواری می‌کند. البته باید در نظر داشت که تعبیر «عسی»، «لعل» و «لیت» درباره خداوند، برآمده از مقام فعل اوست و با پدیده‌های هستی، که ممکن‌اند، پیوند دارد نه ذات او. بنابراین نشان حال مخاطب است و بر امید یا ایجاد آن دلالت می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۲۰، ص ۳۷).

در تحلیل کنشگران و کنش‌پذیران حوزه جهاد نیز اوامر، نواهی و خطاب‌ها در تکمیل گفتمان مجاهدت و به جهت بیان صریح احکام و حدود است. در ساختار متن، برای جهت‌دهی به مسیر جهاد و مقاتله از افعال امر و نهی نظیر: جَاهِدُوا، قَاتِلُوا، اقْتُلُوهُمْ، اُخْرِجُوهُمْ، خُذُوا حِذْرَكُمْ، فَخُذُوهُمْ وَ اقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ، لَا تَعْتَدُوا، لَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، فَلَا تُولُّوهُمْ الْاُدْبَارَ، وَ لَا تَنَازَعُوا و ... استفاده شده است. اما وجه غالب جملات و عبارات در آیات جهاد جملات خبری است که جهت اظهار کردن، شرح، توصیف، تعلیل، اعلام، نقل قول و غیره بیان شده‌اند.





گفتمان مجاهدت در قرآن، گفتمان امری و نهی‌ای صرف نیست و بلکه در بخشی از آن توانش عاطفی و حسی-ادراکی مشارکین گفتمانی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در کنار این گفتمان امری و نیز گفتمان حسی-عاطفی، تعلیل‌ها، تشریح‌ها و تبیین‌هایی صورت می‌گیرد که در شکل‌دهی به نظام گفتمانی جهاد در قرآن کمک می‌نماید.

#### ۱-۲- گفتمان مجاهدت در قرآن در سطح تفسیر

فرکلاف سطح «تفسیر» را مرکب از محتویات متن به همراه ذهنیت مفسر می‌داند که منظور همان پیش فرض‌ها، پیش‌فهم‌ها و دانش زمینه‌ای است که مفسر در برخورد با متن و برای دریافت معنای متن، از آنها بهره می‌گیرد (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۲۱۵). در واقع در مرحله تفسیر، بافت موقعیت، در تعیین معنا نقش برجسته دارد (آقا گل‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۱۲۹).

در سطح توصیف روشن شد تعبیر «فی سبیل الله» از جمله قیودی است که در گفتمان مجاهدت در قرآن به دفعات تکرار شده است. مقید شدن دو مفهوم قتال و جهاد به «فی سبیل الله» می‌فهماند که منظور از تشریح جهاد در اسلام، سلطهٔ دین الهی که مایه صلاح دنیا و آخرت مردم است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۸۴). در واقع عبارت «فی سبیل الله» هدف از جهاد و قتال را نشان می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۲۰، ص ۱۸۴). تکرار این قید که خود نشان از اهمیت آن در گفتمان مورد بحث است، منجر به باز تولید یک نظام ارزشی تازه می‌شود. مخاطبان اولیه این گفتمان اعرابی با خصلت جنگاوری و شجاعت در پیکار بوده که بنا به خصوصیات جاهلی این خصلت‌ها به گونه‌ای محرّف و افراطی در راستای غارت و چپاول نمود داشته است؛ اما در نظام ارزشی و مفهومی قرآن که نظام اعتقادی و رفتاری اسلام را شکل می‌دهد، گفتمان تازه‌ای شکل می‌گیرد که قتال و جهاد را سمت و سو می‌دهد. محوریت این نظام ارزشی «الله» است و سبیلی که به «الله» منتهی می‌شود. در تکمیل این گفتمان و شبکه مفاهیمی که بار ارزشی و ایدئولوژیک دارند، مجاهد و مقاتل فی سبیل الله دارای هویت می‌شود؛ آنها کسانی هستند که الله مشتری آنهاست و اوست که مال و نفسشان

را به بهای جنت از آنان می‌خرد. همچنین اطلاق صفت «حی» به کسی که در راه خدا کشته شده است، تعریف یک مفهوم ارزشی جدید است؛ "و لَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتٌ بَلْ أَحْیاءٌ" (بقره: ۱۵۴). از نهی‌ای که در ابتدای جمله آمده است مشخص می‌شود که تا پیش از این چنین نگاهی وجود نداشته است و پس از این باید پذیرفت آن که در راه خدا کشته می‌شود، دارای حیات است. در واقع در گفتمان جدید یکی از مزیت‌های مقاتله در راه الله، احیاء پس از شهادت و موت ظاهری است. این نظام ارزشی در آیات ۱۶۹ تا ۱۷۱ سوره آل عمران هم ترسیم می‌شود و احوالات کسانی که در راه خدا به قتل رسیده‌اند و وضع جدید آنها نیز تشریح می‌شود.

با عنایت به اینکه گفتمان به واسطه ساختارها شکل می‌گیرد و در شکل‌دهی مجدد ساختارها و در باز تولید و تغییر آنها نیز سهم دارد (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۹۶). از این رو با تعریف مفاهیم ارزشی تازه نظام هنجار و نا به هنجار نیز باز تعریف می‌شوند و به کنش‌های اجتماعی جهتی تازه می‌بخشند. از جمله نظام‌های نا به هنجار اعراب جاهلی استفاده از قدرت پیکار و جنگاوری در حمایت از فردی از قبیله بود. در نظام قبیله‌گرایی این امری پسندیده محسوب می‌شود اما این امر تا جایی پیش می‌رفت که اگر عضو قبیله ظالم و خطاکار نیز بود از او دفاع می‌کردند، این حمیت و عصبیت جاهلی نظامی نا به هنجار بود که در دایره گفتمانی قرآن صورتی تازه می‌یافت. حال آن کنش‌های اجتماعی، ساختی تازه می‌یافتند و در قالب مسئولیت‌های اجتماعی مطرح می‌شدند؛ "وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا" (نساء: ۷۵). مشارکین گفتمانی برای شرکت در مقاتله و دفاع از کسانی که به استضعاف کشیده شده‌اند مورد سؤال قرار می‌گیرند. کسانی که توان مقاتله دارند باید بدانند که در برابر کسانی که ضعیف واقع شده‌اند، مسئولند و باید آنها را از این وضع برهانند. در آیه ۱۳ سوره توبه سطح این مسئولیت اجتماعی بالاتر می‌رود و مخاطب درباره مسائل مهمی مورد سؤال قرار می‌گیرد؛ "أَلَا تُقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَوُكُمْ أَوْلَ مَرَّةٍ أَخَشَوْنَهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ". این آیه مسلمان‌ها را تحریک می‌کند به اینکه با مشرکین بجنگند و برای اینکه تحریکشان کند، آن جرائمی را که مشرکین مرتکب شده و خیانت‌هایی که نسبت به خدا و حق و حقیقت روا داشته‌اند و نیز خطاهایشان را در رابطه با عهدشکنی و یا تلاش برای اخراج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و غیره را خاطر نشان می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۲۱۳). در مجموع این آیه، مخاطب در قالب پرسشی به مقاتله با دشمن و نترسیدن از ایشان ترغیب شده و برای تکمیل این ترغیب و تشجیع شدن، وعده عذاب دشمن و نصرت مسلمانان نیز به ایشان داده می‌شود.

پادشاه‌های دنیوی و اخروی نیز بخشی دیگر از نظام ارزشی جدید را می‌سازد. بخشی از گفتمان مجاهدت در قرآن در پی بیان پادشاه‌های مجاهدان فی سبیل الله است؛ "وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا" (نساء: ۷۴). «در این آیه و چند آیه دیگر که به دنبال آن می‌آید افراد با ایمان با منطق مؤثر و هیجان‌انگیزی دعوت به جهاد در راه خدا شده‌اند. با توجه به اینکه این آیات در زمانی نازل شد که دشمنان گوناگونی از داخل و خارج، اسلام را تهدید می‌کردند، اهمیت این آیات در پرورش روح جهاد در مسلمانان روشن‌تر می‌گردد» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۴: ۷). طبق این آیات کسانی که در راه خدا قتال می‌کنند چه بکشند و چه مغلوب شوند، برای ایشان اجر عظیمی است. باز تعریف مفاهیم تازه و جهان‌بینی نو، در مخاطب ایجاد انگیزه می‌کند. «نقش اصلی در روش تربیتی انذار و تبشیر مربوط به جنبه انگیزش در انسان و در پی آن ایجاد رفتاری نو با میل و رغبت است» (شاملی، ۱۳۸۸، ص ۲۱). همچنین در آیاتی که از عاقبت گروهی سخن به میان می‌آید، فشارهای عاطفی تولید شده در گفتمان، بر مخاطب تأثیر گذاشته و او را برای رسیدن به حسن عاقبت، تحریک و تشویق کرده و یا برای دور ماندن از سوء عاقبت، تحذیر می‌کنند. این چنین توانش مخاطب گفتمان تحت تأثیر قرار گرفته و با ایجاد حس، زمینه برای انجام کنش اجتماعی و فعل بیرونی که مدنظر تولید کننده گفتمان است، فراهم می‌شود.

این پادشاه‌ها و عقاب‌ها در قالب وعده‌ها و وعیدها و نیز سوگندها در آیات جهاد از سوی مرجعی قدرتمند صورت می‌گیرد و کنش‌ها و توانش‌های گفته‌یابان و مخاطبان گفتمان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نمونه بارز چنین تأثیری را می‌توان در امدادهای غیبی و نصرت‌هایی مشاهده کرد که در خلال آیات جهاد به آنها اشاره شده است. در واقع در این نظام ارزشی جدید، سنت امداد و نصرت الهی شامل حال مجاهدان فی سبیل الله می‌گردد. در این جا هم توانش مخاطب زمان نزول تحت تأثیر قرار می‌گیرد و هم کسی که پس از آن و در دوره‌های بعد مخاطب این گفتمان قرار می‌گیرد، درگیر حسی مشترک می‌شود. گویی یک جریان حسی میان کسانی که به این نصرت دست یافته‌اند و نیز مخاطبان امروزی گفتمان به وجود می‌آید. برای نمونه در آیات ۱۲۳، ۱۲۴ و ۱۲۵ سوره آل عمران نصرت الهی در جنگ بدر بیان می‌شود که خداوند با سه هزار فرشته سپاه مسلمانان را یاری نمود. همچنین در آیه ۱۵۴ سوره آل عمران از آرامشی یاد می‌کند که در قالب خوابی سبک، مسلمانان را فرا گرفت تا غم و خوف آنها در میانه جنگ احد کاهش یابد. البته این نصرت الهی دارای یک حد است؛ یعنی مسلمانان تا جایی شامل نصرت الهی می‌شوند که دچار تنبلی و یا اختلاف در امور نشوند؛ "...حَتَّىٰ إِذَا فَاشَلْتُمْ وَ تَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَ عَصَيْتُمْ..."(آل عمران: ۱۵۲). در صورت بروز سستی، نزاع و نافرمانی، زمینه سلب این نعمت به وجود می‌آید. اما در انتهای آیه از عفو و بخشش صحبت می‌کند تا مخاطب دلسرد نشود.

مفاهیم ارزشی «ایمان به الله» و «هجرت» نیز در کنار «جهاد و قتال فی سبیل الله» نظام سه‌گانه‌ای از ارزش‌ها را می‌سازد که نظام گفتمانی جهاد در اسلام و قرآن را کامل می‌کند؛ "إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ" (بقره: ۲۱۸). در این آیه سه گانه ایمان، هجرت و جهاد در راه خدا مطرح می‌شود. در این گفتمان تازه مفهوم ایمان، هجرت و جهاد دارای ارزش مفهومی جدیدی هستند که در نظام ارزشی اسلام معنا دارد، این نظام ارزشی جدید در جامعه به مفهوم امیدواری منتج می‌شود. «رجاء همان امیدواری است و اثر رجاء گرایش و طلب است» (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص ۵۷۱). از این رو جامعه در اثر امتثال به این سه گانه، به رحمت خداوند امیدوار شده و به این نظام ارزشی گرایش می‌یابد. در تکمیل این گفتمان می‌توان به آیات متعددی اشاره نمود که آیه ۱۹۵ سوره آل عمران یکی از آنهاست. "فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُودُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ". این نظام‌های ارزشی جدید نه تنها در بافت موقعیتی اعراب جاهلی گفتمان جدیدی را باز تولید کرده است، بلکه با توجه به گفتمان فرا عصری و فرا نسلی قرآن، در ادوار پسینی نیز هر کس مخاطب این گفته قرار بگیرد، در چارچوب این ساخت اجتماعی جای خواهد گرفت و در صورت برتافتن کنش‌های مذکور به عاقبت تشریح شده دست خواهد یافت. فراگیری گفتمان جهاد در قرآن و باز تعریف نظام ارزشی جدیدی که در مقابل ساختارهای تعریف شده‌ای که اجتماع و کنش‌های اجتماعی را شکل می‌دهد را در آیه ۲۴ سوره توبه می‌توان دید؛ در این گفتمان مجموعه‌ای از نظام‌های ارزشی چون اجداد و نیاکان، خانواده و عشیره، اموال و تجارت و غیره در مقابل حب به الله، رسول و جهاد در راه خدا قرار می‌گیرد. در این جا صورت‌بندی‌های جدیدی تعریف می‌شود و روابط فردی و اجتماعی شکل تازه‌ای می‌یابند. کارکرد گفتمان در اینجا تولید حوزه‌های ارزشی و معنایی جدیدی است که مناسبات اجتماعی را نظمی تازه می‌بخشد. تغییر و اصلاح اندیشه و باورهای درونی در نهایت مخاطب گفتمان را به سوی کنش اجتماعی مناسب سوق می‌دهد.

همان گونه که در سطح توصیف مشخص شد، مجاهده، مقاتله و محاربه اموری هستند که دو سویه دارند. جهاد در معنای مسلحانه و صورت نظامی آن در قرآن با غیریت‌سازی همراه است. از این رو دوگانه مسلمانان و کافران، مؤمنان و مشرکان، مؤمنان و منافقان مطرح می‌شود. تقابل میان این سویه‌های گفتمانی به کل جریان جهت داده و مسیر آن را شکل می‌دهد. در این جا تقابل میان دو گروه، دو نوع رفتار، دو نوع عاقبت و ... است. روشن‌ترین آیه‌ای که این تقابل دوگانه را روشن می‌سازد در آیه ۷۶ سوره نساء آمده است؛ "الَّذِينَ

ءَامِنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا". در این آیه دو پارادایم در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند. واژه «يُقَاتِلُونَ» در هر دو پارادایم مطرح شده، اما آن چه در این امر تمایز و تقابل ایجاد می‌کند، قید «فِي سَبِيلِ اللَّهِ» و «فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ» است. این گونه گروه مؤمنان در مقابل کافران قرار می‌گیرند. این نظام دو قطبی بین مؤمن و منافق هم شکل می‌گیرد. اصلاً یکی از کارکردهای امر به جهاد را می‌توان تشخیص مؤمن از منافق دانست؛ "وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ التَّتَيِّ الْجَمْعَانِ فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَ لِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ - وَ لِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَاتَّبَعْنَاكُمْ هُمْ لِلْكَفْرِ يَوْمئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ" (آل عمران: ۱۶۶-۱۶۷). البته این نظام دو قطبی درون پارادایم اسلام هم میان مجاهدان و قاعدان برقرار است؛ "لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الْأَرْصِ وَ الْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَ كَلَّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَى وَ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا" (نساء: ۹۵). همچنین ممکن است منازعات درون پارادایمی میان دو گروه از مسلمانان در بگیرد؛ "وَ إِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَ أفسطُوا إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الْمُقْسِطِينَ" (حجرات: ۹). گفتمان پیشنهادی در این صورت بر قراری «صلح» میان دو گروه است، مگر این که گروهی تعدی و تجاوز نماید که در آن صورت باید با آن گروه مقاتله نمود تا به سوی امر الهی بازگردد و در نهایت صلح و عدل و قسط میان ایشان برقرار شود. گفتمان صلح در منازعات برون پارادایمی مطرح نیست، مقاتله با دشمن بیرونی تا جایی است که آنها دست از قتال بردارند و فتنه پایان پذیرد؛ "وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً..." (بقره: ۱۹۲).

### ۳-۱- گفتمان مجاهدت در قرآن در سطح تبیین

سطح نهایی تحلیل گفتمان انتقادی، «تبیین» است. در این مرحله با توجه به نتایج سطوح قبلی، گفتمان به عنوان کنش اجتماعی در نظر گرفته می‌شود تا مشخص شود که ساختارهای اجتماعی چگونه به گفتمان تعیین می‌بخشند. از سوی دیگر نتایج بررسی در سطح تبیین مشخص می‌کند که گفتمان تولید شده چه تأثیراتی از قبیل حفظ یا تغییر در ساختارها و نهادهای اجتماعی که متن در بستر آنها شکل گرفته می‌گذارد (Fairclough, 2001, 163).

در سطح تفسیر مشخص شد، گفتمان مجاهدت در قرآن به باز تعریف ساختارهای مفهومی و ارزشی تازه‌ای در زمان نزول و به تبع آن در ادوار پسینی انجامید و بسیاری از حوزه‌های معنایی جاری در جامعه را تغییر داد. مهم‌ترین این تغییرات باز تولید مناسبات قدرت در جامعه است. رویکرد انتقادی تلاش دارد تا نقش تأثیرات گفتمانی در مناسبات قدرت در جامعه را آشکار نماید تا با عنایت به نتیجه تحلیل گفتمان انتقادی شرایط ایجاد تغییر فراهم گردد (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹، ص ۱۱۵)، لذا از جمله عناصر و گزاره‌های مؤثر در شکل‌گیری گفتمان جهاد، وجود دشمن بیرونی، لزوم دفاع، حفظ بقاء، حفظ کیان عقیدتی و سرزمینی است. دفاع ذاتی هر موجود زنده است. مسلمانان و در سطح بالاتر، جامعه اسلامی به مثابه یک موجود زنده، در برابر تهاجم به دفاع نیاز دارد. از این رو «دفاع» یکی از دال‌های مرکزی گفتمان مجاهدت در قرآن است که مناسبات قدرت را تنظیم کرده و به آن شکل می‌دهد. بیان حکم وجوب قتال در آیه ۲۱۶ بقره آمده است؛ «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ». «لفظ کتابت در مقام تشریح ظهور در وجوب دارد، مگر آن که دلیلی از خارج مانع ظهور و موجب انصراف از آن گردد» (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص ۵۴۳). آن چه در گفتمان قتال اهمیت دارد و به آن امر می‌شود مقید شدن قتال به قید «فِي سَبِيلِ اللَّهِ» است. از سوی دیگر نظام دو قطبی نیز ترسیم می‌شود، قتال با کسانی است که آنها نیز قصد مقاتله دارند. همچنین در گفتمان قتال باید میان مقاتله و تعدی و تجاوز نیز تمایز قائل شد و دانست که در اجرای این امر نباید تعدی صورت گیرد؛ «و قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره: ۱۹۰). این مفاهیم در تکمیل شبکه گفتمانی مجاهدت در قرآن دخیل هستند. در آیات متعددی سایر شئون گفتمان جهاد و قتال در قرآن روشن می‌شود، مانند مقاتله نکردن در مسجد الحرام یا مقاتله نکردن در ماه حرام، و یا این که شرکت در جهاد بر چه کسانی واجب نیست و عذر چه کسانی پذیرفته است و غیره. همچنین مشخص می‌شود تا زمانی باید قتال صورت گیرد که بساط فتنه جمع شود «و قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ» (انفال: ۳۹). «این آیه حکمت قتال را مشخص می‌کند. قتال و جنگ اسلامی، با هدف تسلط صورت نمی‌گیرد، بلکه به جهت اقامه حکم الهی و ممانعت از برز فتنه و تسلط نامشروع است. در حالی که دین همان سلطه شرعی است که از ایمان به الله و اقامه حق استمداد می‌گیرد و بر پایه آزادی انسان‌ها است» (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۵۶). و این همان دین باقی است و این مانایی در انحصار دین الله است. در سوی دیگر، مشرکانی که این انحصار را بر نمی‌تابند و همواره با مسلمانان قتال می‌کنند تا مسلمانان از دین خود مرتد شوند؛ «وَ لَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتِطَاعُوا» (بقره: ۲۱۷). مشابه همین مضمون در آیه ۸۹ سوره نساء هم آمده است؛ «وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً». اما در آنجا از موضعی برتر به کسانی که به خداوند ایمان دارند و قدرت

او را پذیرفته‌اند، امر می‌شود که ولایت چنین گروهی را نپذیرند؛ "فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ" تا زمانی که آنها به سوی خدا هجرت کنند. «در واقع در این آیه مراد از "فَإِنْ تَوَلَّوْا" اعراض از مهاجرت است و این گفته اندازی است قبل از مؤاخذه کردن. به این معنی که اگر حکم مهاجرت و عدم اتخاذ ولی به ایشان ابلاغ شد و آنها از این حکم اعراض کردند، باید ایشان را گرفت و قتل رساند "فَخَذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَ لَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وُلِيًّا وَ لَا نَصِيرًا" (ابن عاشور، ۱۴۲۰ه.ق، ج ۴، ص ۲۱۱). با تأکیدی که در انتهای آیه با آمدن واژه ولی و نصیر صورت می‌گیرد، به وضوح عدم پذیرش سلطه و تسلط کافران مطرح می‌شود.

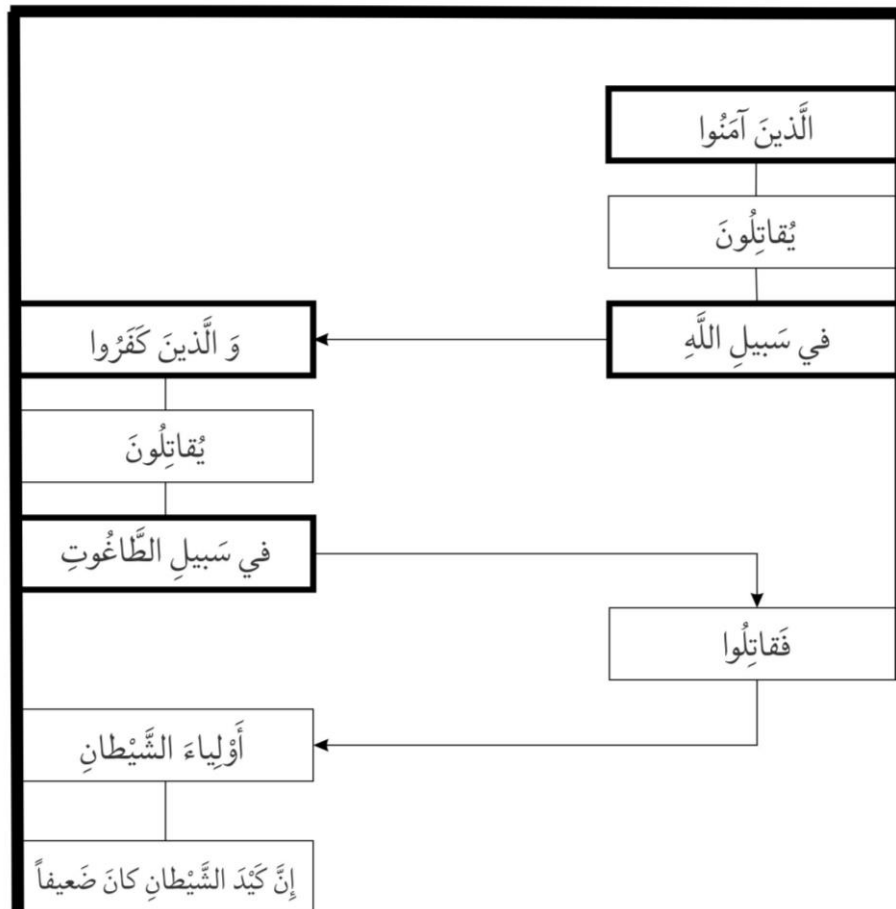
بنابراین تبیین نظام ارزشی جهاد در قرآن به باز تعریف ساختارهای قدرت در جامعه می‌انجامد و کنش‌های اجتماعی را سامان می‌دهد. در رابطه با جهاد مسلحانه و نظامی، سطح این کنش‌ها از دفاع ابتدایی تا قدرت بازدارندگی افزایش می‌یابد. در سطح دفاع ابتدایی اذن مقاتله به کسانی داده شده که ابتدائاً مورد ظلم قرار گرفته‌اند؛ "أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ" (حج: ۲۹). اما در آیه ۶۰ سوره انفال از کسب آمادگی سخن گفته می‌شود؛ "وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِّن قُوَّةٍ وَ مِّن رِّبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ" «پیام آیه امر عامی است به مؤمنان که در قبال کفار به قدر توانایی‌شان از تدارکات جنگی که به آن احتیاج پیدا خواهند کرد تهیه کنند، به مقدار آنچه که کفار بالفعل دارند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۵۱). در واقع به مسلمانان امر می‌شود که آمادگی لازم برای مقابله را کسب نمایند. با توجه به قید "مِن قُوَّةٍ وَ مِّن رِّبَاطِ الْخَيْلِ" این آمادگی یک آمادگی رزمی و نظامی است که خود نشان از سطوحی از بازدارندگی دارد. این بازدارندگی از طریق سازماندهی عده و عده فراهم می‌شود. «در این آیه خدای متعال به دو موضوع امر می‌کند. یکی تهیه (اعداد) جمیع اسباب و قوای لازم به قدر استطاعت و دیگری نظم دادن به سپاهیان (رباط الخیل) که در مرزها و حدود سرزمینی و یا در سرزمین دشمن متخاصم قصد مقابله دارند» (رضا، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۶۱). در تکمیل این گفتمان، آیاتی که از نحوه برخورد و مواجهه با مشرکان، کافران و محاربان سخن می‌گوید سطح کنش‌های اجتماعی را روشن می‌سازد. مانند آیه ۳۳ سوره مائده که درباره محاربان با الله و رسول سخن می‌گوید. گوینده در این گفتمان با اعلام‌هایش در پی ایجاد شرایط تازه‌ای است که مناسبات قدرت را تنظیم می‌کند. با توجه به آن چه در سطح توصیف در معنای حرب و محاربه بیان شد، این نوع از مواجهه، شدت عمل و نیز استمرار را می‌رساند. این گروه در سطحی از مواجهه قرار دارند که به طور مستقیم با الله و رسول به ستیزه برخاسته‌اند. توانش چنین گروهی توسط احکامی که قدرت بازدارندگی ایجاد می‌کند، باید مهار شده و کنترل گردد. بیان حکم در این آیه "أَنْ يُقَاتِلُوا أَوْ يَصَلُّوا أَوْ يَقَطَّعَ أَيْدِيَهُمْ وَ أَرْجُلَهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ" با عملی که گروه مقابل مرتکب آن شده، متناسب است. «چنین گروهی از حق و عدل

تعدی کرده‌اند و امام جامعه که اقامه عدل و حفظ نظام جامعه را بر عهده دارد، باید با آنها مقاتله نماید (مراغی، بی تا، ج ۶، ص ۱۰۵). در اثر کارکرد گفتمان تولید شده در این آیه به نوعی از یک پسا کنش باز دارندگی دست خواهیم یافت، به گونه‌ای که آنها از این عمل باز بمانند. این امر با توجه به آیه ۳۴ واضح تر می‌گردد؛ "إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ". با این استثنائی که در قالب کنش اظهاری بیان شد، روشن می‌گردد که هدف، اجرای آن احکام نیست، بلکه هدف جلوگیری از فساد گروهی در زمین و از آن سو، حفظ جان و مال و ناموس گروه مقابل است. این باز دارندگی و جلوگیری نمودن از طریق بیان آن احکام و فرمان‌ها صورت می‌گیرد. اعلام حکم خود می‌تواند یک عامل باز دارندگی باشد. در واقع مخاطب را هشدار می‌دهد که از آن عمل بر حذر باشد. در آیه ۵۶ و ۵۷ سوره انفال هم این گفتمان دیده می‌شود؛ "الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَ هُمْ لَا يَتَّقُونَ - فِيمَا تَثَقَّفْنَهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرَّدْ بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَدَّكَّرُونَ". در این آیه به مسلمانان امر می‌شود به گونه‌ای به کافران و یا کسانی که نقض عهد کرده‌اند هجوم بیاورند که در دل ایشان رعب ایجاد شود. کافرانی که در آیه ۵۵ سوره انفال «بدترین جنبنندگان» معرفی شده‌اند. در این آیه نیز واژه «حرب» مشاهده می‌شود. پس این نوع مواجهه نیز در نسبت با کسانی است که قصد ستیزه‌جویی دارند. از این رو شدت امری که در "فَشَرَّدْ بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ" وجود دارد، در واقع در پی بیان یک پسا کنش باز دارندگی و نوعی عبرت‌گیری است، که خود به تنظیم مناسبات قدرت می‌انجامد. «دینی که بخواهد پا برجا باشد ناگزیر از داشتن چنین هیبت و قوت است. به گونه‌ای که بتواند در قلوب طواغیتی که قصد مداخله در کار جامعه اسلامی را دارند، تزلزل ایجاد کند» (قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۳، ص ۱۵۴۳). در تکمیل گفتمان مطرح شده در سوره انفال، می‌توان به آیه ۴ سوره محمد نیز اشاره کرد. در آن آیه نیز با ترسیم فضای جنگی، با عبارت "فَضْرَبَ الرَّقَابِ" شدت کنش در مواجهه با کافران، بیان می‌شود. گروهی که به واسطه کفرشان و سد کردن راه خدا، اعمالشان باطل می‌شود. ذکر این نکته لازم است چنین امری و فرمانی در راستای حفظ جان و مال و ناموس مسلمانان اس، همانگونه که در آیه ۳۸ سوره حج با صراحت بیان می‌شود "إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا". در گفتمان مجاهدت در قرآن در ساخت‌بندی جدید که بر پایه ایمان به الله بنا شده است در سطح دفاع نهایی، این الله است که از مؤمنان دفاع می‌کند. این تغییر باورها و نیز اصلاح کنش‌های اجتماعی و باز تولید مناسبات قدرت بر مبنای همان نظام دو گانه حق و باطل، الله و طاغوت، ایمان و کفر و غیره بنا شده است. مفاهیمی که هر یک بخشی از بار ایدئولوژیک گفتمان مجاهدت در قرآن را بر دوش کشیده و جهاد را به یک مفهوم ارزشی و ایدئولوژیک تبدیل می‌کند و صورت‌بندی جدیدی را در ساختارهای اجتماعی ایجاد



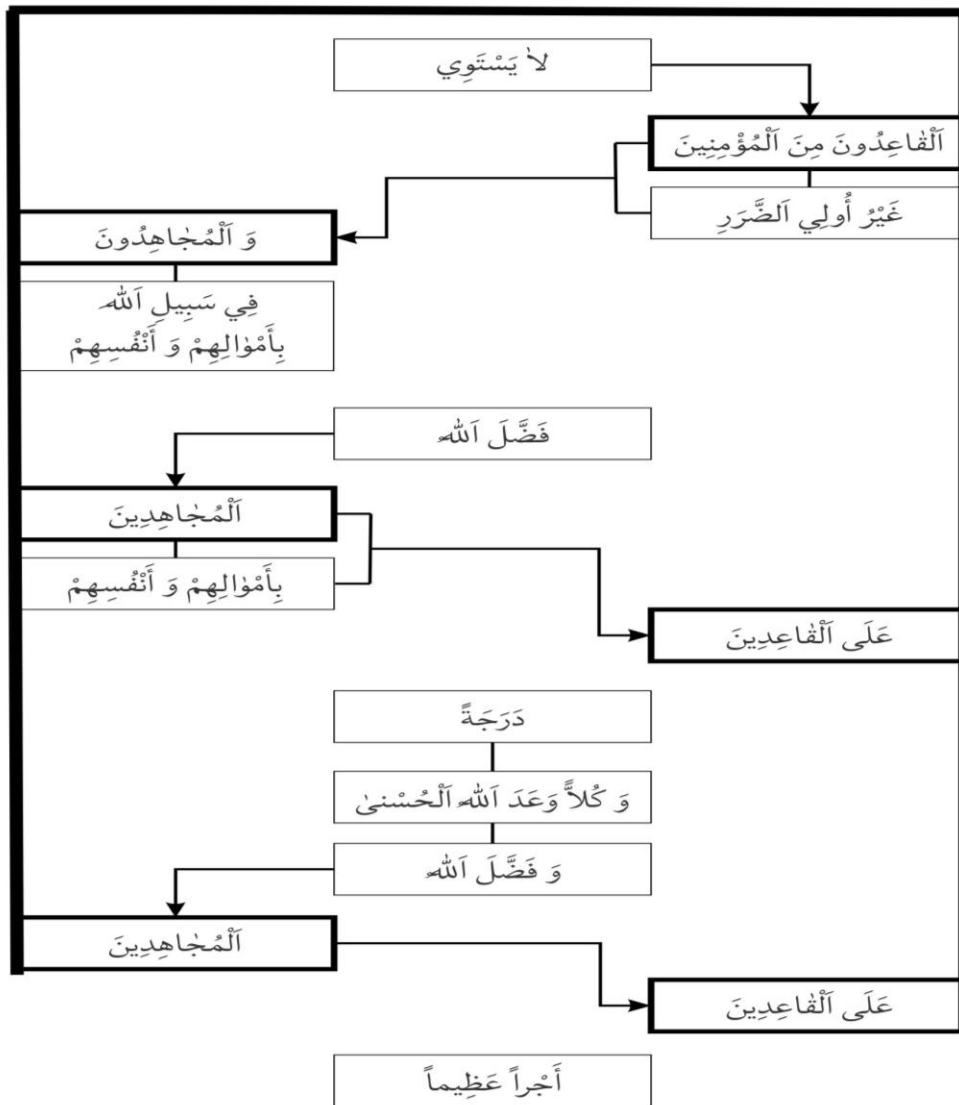
می‌کند که متناسب با جهان‌بینی و هستی‌شناسی قرآنی است. نمونه این ساختار دو قطبی در یک گفتمان برون پارادایمی در آیه ۷۶ سوره نساء آمده است.

**نمودار ۲-** ساختار تقابلی در آیات جهاد در صورت‌بندی‌های جدید اجتماعی و اعتقادی در مناسبات برون پارادایمی.



این نظام دو گانه در تقسیمات درون پارادایمی نیز وجود دارد، آنجا که در آیه ۹۵ سوره نساء، دو گروه از مؤمنان نیز با معیار مقاتله کردن و عدم مقاتله از یکدیگر متمایز می‌شوند.

**نمودار ۳-** ساختار تقابلی در آیات جهاد در صورت‌بندی‌های جدید اجتماعی و اعتقادی در مناسبات درون پارادایمی



همچنین در تنظیم مناسبات قدرت در گفتمان مجاهدت در قرآن علاوه بر نظام دو گانه مسلمانان و مشرکان و یا مؤمنان و کافران، با اهل کتاب نیز مواجه هستیم. آیه ۲۹ سوره توبه از جمله آیاتی است که تکلیف مسلمانان را با اهل کتاب مشخص می‌کند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۳۵۰)؛ خداوند در این آیه به قتال امر می‌کند و با عبارت "و حَتَّىٰ يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ" به این قتال حد می‌زند. این قتال تا جایی است که آنان جزیه بپردازند. در این جا نیز مانند مواجه با کافران و مشرکان، توفیق ایدئولوژیک در گفتمان تولید شده، مشهود است. اما در منازعات درون پارادایمی میان گروه‌هایی از مسلمانان و مؤمنان، گفتمان پیشنهاد شده، گفتمان صلح و برقراری قسط و عدل است و آن جا از شدت عملی که در مواجه با دشمن بیرونی باید صورت داد، سخنی نیست؛ "وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا

عَلَى الْأُخْرَىٰ فَفَاتِلُوا آلَ تَيْبَةَ حَتَّىٰ تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّ فَاءَ تَفِيءٍ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ  
الْمُقْسِطِينَ" (حجرات: ۹).

یکی از کاربردهای اعجاز آفرین آواها در آیات، تناسب و زیبایی بی‌نظیری است که نظام آهنگ ویژه‌ای را در واژه‌های آیات جهاد خلق نموده؛ به طوری که ضمن تناسب بین لفظ و معنا، استواری و پایداری در مؤلفه های جهاد را گوشزد می‌نماید (معین، جواد و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۲۴۲).

باتوجه به مفهوم و کارکرد جهاد، سطح مجاهدت صرفاً در قتال و اقدامات نظامی و مسلحانه محدود نمی‌شود، بلکه حوزه‌های دیگری چون مجاهده مالی، مجاهده فکری-عقیدتی، جهاد با نفس و غیره را نیز شامل می‌شود. از این رو جهاد در معنای عام ساحت‌های مختلف را شامل می‌شود، که یکی از حوزه‌های آن جهاد مسلحانه و نظامی است که بیشتر با حوزه تولید مناسبات قدرت در جامعه قرابت دارد. هر چند مجاهده مالی بر قدرت اقتصادی و مجاهده فکری-عقیدتی بر قدرت معرفتی در جامعه تأثیرگذار است.

#### نتیجه

در سطح توصیف مشخص گردید که دامنه مفهومی جهاد در قرآن، شامل واژه‌های «جهاد، قتال، حرب و غزو» است که هر کدام بار معنایی خاص خود را داشته و در قالب اوامر و نواهی و با خطاب‌های صریح و غیر صریح، کنش‌های عاطفی، حسی-ادراکی و نیز گزاره‌های تعلیلی، تشریحی و تبیینی، گفتمان مجاهدت در قرآن را شکل می‌دهند که این امر از ساختار رویین و ظاهری متن قابل دریافت است.

آیات ناظر به وجوب جهاد با ترسیم نظام دو قطبی مسلمانان و مشرکان - مسلمانان و کافران - مؤمنان و منافقان، چارچوب نظری گفتمان مجاهدت در قرآن را تبیین می‌نمایند و غیریت‌سازی در گفتمان مجاهدت در قرآن از تقابل میان دو گروه، دو نوع رفتار، دو نوع جهان‌بینی، دو نوع عاقبت و ... شکل می‌گیرد.

در سطح تفسیر روشن گردید که گفتمان جهاد در قرآن در پی باز تولید یک ساختار مفهومی و ارزشی تازه است. در این صورت‌بندی جدید مفهوم مجاهد فی سبیل الله تولید می‌شود. از این رو کسی که در راه خدا جهاد می‌کند و کشته می‌شود، دارای هویت ویژه‌ای می‌شود. در واقع، تکرار قید «فی سبیل الله» که حاکی از اهمیت آن در گفتمان مجاهدت در قرآن است، منجر به باز تولید یک نظام ارزشی تازه می‌شود. محوریت این نظام ارزشی «الله» و سبیلی است که به «الله» منتهی می‌شود.

در ساختار گفتمانی مجاهدت در قرآن، دفاع و جهاد فی سبیل الله به عنوان دالّ مرکزی گفتمان جهاد در نظر گرفته شده است. این امر از سطح دفاع نهایی تا ایجاد قدرت بازدارندگی افزایش می‌یابد و در سطح دفاع نهایی، این الله است که از مؤمنان دفاع می‌کند. این تغییر باورها و نیز اصلاح کنش‌های اجتماعی و باز تولید مناسبات قدرت بر مبنای همان نظام دو گانه حق و باطل، الله و طاغوت، ایمان و کفر و غیره بنا شده است.

مفاهیمی که هر یک بخشی از بار ایدئولوژیک گفتمان مجاهدت در قرآن را بر دوش کشیده و جهاد را به یک مفهوم ارزشی و ایدئولوژیک تبدیل می‌کند و صورت‌بندی جدیدی را در ساختارهای اجتماعی ایجاد می‌کند که متناسب با جهان‌بینی و هستی‌شناسی قرآنی است.

با تعریف مفاهیم ارزشی تازه، نظام هنجارها نیز باز تعریف می‌شوند و به کنش‌های اجتماعی جهت‌ی تازه می‌بخشند. پاسخ‌گو بودن و مسئول بودن توانمندان در برابر ضعفای جامعه، حساس بودن و مسئول بودن در برابر به چالش کشیدن مسائلی که به حق و حقیقت و خدا و رسولش ارتباط می‌یابد از جمله مفاهیم جدیدی است که ساختارهای اجتماعی را شکل می‌دهد. باز تعریف مفاهیم تازه و جهان‌بینی نو، در مخاطب ایجاد انگیزه می‌کند. در تکمیل این توانش انگیزشی، بهره‌مند شدن مجاهدان از پاداش‌های دنیوی و اخروی، وعده‌ها و وعیدها و در سطح بالاتر سنت نصرت و امداد الهی، توانش مخاطب گفتمان تحت تأثیر قرار گرفته و با ایجاد حس، زمینه برای انجام کنش اجتماعی و فعل بیرونی که مدنظر تولید کننده گفتمان است، فراهم می‌شود.

نظام‌های ارزشی جدید و ساخت‌های فردی و اجتماعی که در گفتمان مجاهدت در قرآن تولید شده، نه تنها در بافت موقعیتی اعراب جاهلی گفتمان جدیدی را باز تولید کرده است، بلکه با توجه به گفتمان فرا عصری و فرا نسلی قرآن، در ادوار پسینی نیز هر کس مخاطب این گفته قرار بگیرد، در چارچوب این ساخت اجتماعی جای خواهد گرفت و در صورت برتافتن کنش‌های مذکور در دایره گفتمان مجاهدت در قرآن قرار می‌گیرد. با توجه به مفهوم و کارکرد جهاد، سطح مجاهدت صرفاً در قتال و اقدامات نظامی و مسلحانه محدود نمی‌شود، بلکه حوزه‌های دیگری چون مجاهده مالی، مجاهده فکری-عقیدتی، جهاد با نفس و غیره را نیز شامل می‌شود.

## منابع

### • قرآن کریم.

۱. آقا گل‌زاده، فردوس (۱۳۸۵ش). *تحلیل گفتمان انتقادی* (چاپ اول). تهران: علمی فرهنگی.
۲. ابن‌درید، محمدبن‌حسن (۱۹۹۸م). *جمهرة اللغة* (چاپ اول). بیروت: دار العلم الملايين.
۳. ابن‌سیده، علی‌بن‌اسماعیل (۱۴۲۱ق). *المحکم المحيط الاعظم* (چاپ اول). تحقیق عبدالحمید هنداوی. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۴. ابن‌عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰ق). *التحریر و التنویر* (چاپ اول). بیروت: مؤسسه التاريخ العربی.
۵. ازهری، محمدبن‌احمد (۱۴۲۱ق). *تهذیب اللغة* (چاپ اول). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶. اکبری، محسن و شیرین‌کار، محمد (۱۳۹۵ش). بازخوانی آراء مفسران سده اخیر در آیات جهاد،

۷. جبعی عاملی، زین‌الدین (بی‌تا). *الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية*. بی‌جا: دارالعالم اسلامی.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ش). *تسنیم* (ج ۱۰، ج ۱۶ و ج ۲۰). قم: مرکز نشر اسراء.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ القرآن* (چاپ اول). بیروت: دار القلم.
۱۰. رضا، محمدرشید (۱۴۱۴ق). *المنار (تفسیر القرآن الحکیم)* (چاپ اول). بیروت: دار المعرفة.
۱۱. سید قطب، سید ابراهیم حسین شاذلی (۱۴۲۵ق). *فی ظلال القرآن* (چاپ سی و پنجم). بیروت: دار الشرق.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه محمد باقر موسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۳. عبد الباقي، محمدفؤاد (۱۳۶۴). *المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم*. قاهره: دار الکتب المصرية.
۱۴. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). *کتاب العین* (چاپ دوم). قم: هجرت.
۱۵. فرکلاف، نورمن (۱۹۴۱م). *تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمه: گروه مترجمان (۱۳۷۹ش). تهران: مرکز مطالعات رسانه.
۱۶. قاسم پور گنجه‌لو، زهرا؛ بهرامی، شبنم و دیگران (۱۳۹۵ش). *معناشناسی واژه جهاد در قرآن کریم*. *سراج منیر*، ۷(۲۳)، ۱۳۰-۱۵۰.
۱۷. کوبلی، پل (۱۹۶۳م). *نظریه‌های ارتباطات: مفاهیم انتقادی در مطالعات رسانه‌ای و فرهنگی* ترجمه: احسان شاه قاسمی (۱۳۸۷ش)، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۸. گروه تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (۱۳۸۸ش). *جایگاه و نقش انذار و تبشیر در نظام تربیتی پیامبران*. عباسعلی شاملی. ترجمه محمد روحانی، *مجموعه مقالات تربیت دینی، اخلاقی و عاطفی*. ص ۲۶۵-۲۸۳. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۹. مدرسی، محمدتقی (۱۴۱۹ق). *من هدی القرآن*. چاپ اول. تهران: دار محبی‌الحسین.
۲۰. مراغی، احمد مصطفی (بی‌تا). *التفسیر المراغی*. چاپ اول. بیروت: دار الفکر.
۲۱. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۷ش). *جنگ و جهاد در قرآن*. قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۲. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم* (چاپ سوم). بیروت: دار الکتب العلمیة.

۲۳. معین، جواد؛ پروین، نوالدین، خرقانی حسن (۱۴۰۱). سبک شناسی لایه‌ای آیات جهاد براساس تحلیل فنوسمانتیک مطالعه موردی واژه جهاد و مشتقات آن. *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*. ۱۹(۲)، ۲۱۹-۲۵۱.

DOI:10.22051/TQH.2021.36308.3233

۲۴. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۱ش). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۲۵. نجفی، محمدحسن (۱۴۱۳ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۲۶. یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۳). *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*. تهران: هرمس.

۲۷. یورگنسن، ماریان و فیلیپس، لوییز (۲۰۰۲م). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان* (چاپ اول). ترجمه:

هادی جلیلی (۱۳۸۹). تهران: نشر نی.

28. Fairclough, Norman (2001). *Language and Power*, London: Longman, second edition.

29. Schiffrin, Deborah; Tannen, Deborah; Hamilton, Heidi E (2005). *The Handbook of Discourse Analysis*, Blackwell Publishers Ltd.

## Reference

- The Holy Qur'an.
- 1. Agha Golzadeh, Ferdous (2006). *Critical Discourse Analysis*, Tehran: Scientific and Cultural.
- 2. Ibn Duraid, Muhammad Ibn Hassan (1998). *Jamharat al-Lughah*, Beirut: Dar al-'Im lil-Malā'īn.
- 3. Ibn Sayedah, Ali Ibn Ismail (1421 AH). *Al-Muhkam al-Muhīt al-'A'zam Research: Abdul Hamid Hindawī,*] Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmīya.
- 4. Ibn Āshūr, Muhammad Tāhir (1420 AH). *Al-Tāhīr wa al-Tanwīr*, Beirut: Al-Ta'rīkh Al-'Arabi Institute.
- 5. Azharī, Muhammad bin Ahmad (1421 AH). *Tahdhīb al-Lughah*, Beirut: Dar 'Ihyā' al-Turāth al-'Arabī.
- 6. Akbari, Mohsen; Shirinkar, Mohammad (2015). Re-reading the opinions of commentators of the last century on the verses of Jihad, *Scientific-Research Quarterly of Tafsīr Studies*, 7(27).
- 7. Jib'ī Āmulī, Zainuddīn (nd). *Al-Rawza al-Bahīyyah fī Sharh al-Luma' al-Damishqīyya*, Dar al-Ālam al-Islami.
- 8. Javadi Amoli, Abdullah (2010). *Tasnim Commentary*, Qom: Isra Publishing Center, vols.10, 16, 20.
- 9. Rāghib Esfahānī, Hossein bin Muhammad (1412 AH). *Mufradāt Alfāz al-Qur'an*, Beirut: Dar al-Qalam.
- 10. Reza, Mohammad Rashid (1414 AH). *Tafsīr al-Qur'an al-Hakim (Tafsīr al-Manar)*, Beirut: Dar al-Ma'rifah, first edition.
- 11. Sayed Qutb, Sayed Ebrahim Hossein (1425 AH). *Fī Zilāl al-Qur'an*, Beirut: Dar al-Sharq, 35<sup>th</sup> edition.
- 12. Tabātabā'ī, Mohammad Hossein (1995). *Al-Mīzān fī Tafsīr al-Qur'an* [Persian Translasyon: Mohammad Baqir Mousavi,] Qom: Islamic Publications Office of the Qom Seminary Society.
- 13. Abdul Bāqī, Mohammad Fouad (1985). *Al-Mu'jam al-Mufahras li Alfāz Al-Qur'an al-Karim*, Cairo: Dar al-Kutub al-Misrīyah.
- 14. Farāhīdī, Khalil bin Ahmad (1409 AH). *Al-'Ain*, Qom: Hijrat Publishing.
- 15. Fairclough, Norman (2000). *Critical Analysis of Discourse* [Persian trans: Group of translators.] Tehran: Media Studies Center.
- 16. Qasempour Ganjelou, Zahra et al. (2015). The Semantics of the Word Jihad in the Holy Qur'an, *Siraj-e Munir*, 7(23): 130-150.
- 17. Kubly, Pavel (2008). *Theories of Communication* [Persian trans: Ehsan Shah Ghasemi,] Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies.
- 18. Collection of Articles on Religious, Moral, and Emotional Education of the Educational Group of the Imam Khomeini Educational and Research Institute (2009). *The Place and Role of Warning and Encouragement in the Educational System of the Prophets*, Shameli, Abbasali [Persian trans. Mohammad Rouhani,] Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications.

19. Modarresi, Mohammad Taqi (1419 AH). *Min Huda al-Qur'an*, Tehran: Dar Muhib Al-Hussein.
20. Marāghī, Ahmad Mustafa (nd). *Al-Tafsīr al-Marāghī*, Beirut: Dar al-Fikr, first edition.
21. Misbāh Yazdī, Mohammad Taghī (2008). *War and Jihad in the Qur'an*, Qom: Publication Center of Imam Khomeini Educational and Research Institute.
22. Mustafawī, Hassan (1430 AH). *Atahqīq fī Kalimāt Al-Qur'an*, Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiya, third edition.
23. Moin, Javad; Parveen, Nooruddin; Kharqani, Hassan (2022), *Layered Stylistics of Jihad Verses Based on Phenosemantic Analysis of the Case Study of Jahd and Its Derivatives*, *Research on Qur'an and Hadith Sciences*, 19(2): 219-251.
24. Makarem Shirazi, Nasser et al. (1992). *Tafsīr Nemooneh*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiya.
25. Najafī, Mohammad Hassan (1413 AH). *Jawāher al-Kalām*, Beirut: Dar 'Ihyā' al-Turāth al-'Arabī.
26. Yarmohammadi, Lotfollah (2004). *Popular and Critical Discourse Studies*, Tehran: Hermes.
27. Jorgensen, Marian; Phillips, Louise (2010). *Theory and Method in Discourse Analysis* [Persian trans: Hadi Jalili,] Tehran: Ney Publishing.
28. Fairclough, Norman (2001). *Language and Power*, London: Longman, second edition.
29. Schiffrin, Deborah; Tannen, Deborah; Hamilton, Heidi E. (2005). *The Handbook of Discourse Analysis*, Blackwell Publishers Ltd.